

مطالعه خانه‌های سنتی با تأکید بر بازخوانی مفهوم

حیات، برترین الگوی سکونت در معماری ایران

ندا تابع بردبار^{۱*}، مزین دهباشی شریف^۲

۱. کارشناس ارشد معماری، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

n_t.bordbar@yahoo.com

۲. استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

moz.dehbashi_sharif@iauctb.ac.ir

چکیده

انسان در جهت نیل به محیطی برای زندگی، همواره در پی خلق فضایی بوده است که در آن احساس آرامش کند؛ فضایی که با شیوه زندگی او سازگار بوده و مطابق با باورهای درونی اش شکل گیرد. معماری ایران، به مثابه هنری انسان محور که در آفرینش آثار خود بیش از هر چیز به خواست‌های مادی و معنوی مخاطب و بُعد کیفی ساختمان توجه می‌کند، در جهت دستیابی به چنین فضایی، خانه سنتی را بنا کرده و از میان تمام فضاهای آن، حیاط را به عنوان الگوی برتر سکونت معرفی می‌کند. این فضای کارآمد و پاسخده به نیازهای انسان، با هدف حیات بخشی به محیط خانه وارد ساختار آن شده و مورد توجه ویژه معمار سنتی قرار می‌گیرد. تا آنجا که هویت کل بنا به واسطه حیاط آشکار شده و آنچه برای ساکنین ارزش تلقی می‌شود، به صورت مفاهیمی در کالبد حیات تجلی می‌یابد. بازخوانی این مفاهیم می‌تواند راهگشایی برای بهبود وضعیت نامطلوب مسکن امروز به دلیل حضور آشفته حیاط در معماری آن باشد. به این امید که ارتباط تضعیف شده حیاط با فضاهای خانه معاصر به واسطه این شناخت جانی دوباره یابد. پژوهش حاضر در همین راستا و به روش توصیفی-تحلیلی، پس از بررسی تعاریف، تاریخچه و جایگاه حیاط در معماری سنتی ایران، به توصیف کالبدی و تحلیل مفاهیم جاری در این فضا خواهد پرداخت. بر اساس یافته‌ها، حرمت، خلوت، بهشت‌گونگی، وحدت، درونگرایی، آزادی، ارتباط با طبیعت، زیبایی، مطبوعیت و سرزندگی، چشم انداز، یادگیری و انعطاف‌پذیری، مفاهیمی هستند که به فضای حیاط غنا بخشیده و موجبات تعالی روحی ساکنین را فراهم آورده‌اند.

واژه های کلیدی: مفهوم حیاط، خانه‌های سنتی، معماری ایرانی، الگوی برتر سکونت.





۱- مقدمه

حیات در معماری ایرانی مانند گوهری است که هویت بنا را آشکار می‌سازد. اهمیت آن چنان است که برخی بر محوری بودن فضای باز در معماری ایران تأکید دارند و آن را معماری حیات‌ها می‌نامند؛ بطوریکه اصل و مایه فضا سازی در طراحی بنا به شمار می‌رود. «در مسکن سنتی ایران حیات به عنوان قلب تپنده فضای مسکونی، شاخص‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین بخش خانه به شمار می‌رفت. [۱]» و تمامی معیارهای یک محیط پاسخده را در خود داشت. در این خانه‌ها «حیات گویی مرکز عالم است و در مرکز جهان قرار دارد. در این فضای تهی، همه اضطراب‌های دنیایی از میان برداشته شده و بجای آن نظامی آفریده شده که مبین توازن، صفا و آرامش است. خانه بدون حیات بی معنی است و خانواده حیات را برترین فضا برای سکونت برگزیده و به تبع آن معماری نیز این فضا را کامل‌ترین و زیباترین فضای خود قرار داده است. [۲]» و آن را روح خانه می‌داند که بخش وسیعی از فعالیت‌های روزانه را در خود جاری می‌سازد.

این در حالی است که در معماری امروز مسکن، مفاهیم ارزشمند حیات آنچنان تقلیل یافته که حتی قادر به برآوردن انتظارات ابتدایی ساکنین از خود، نیست. فضایی سرد و بی‌هویت که تنها دلیل حضور آن، پر کردن فاصله بین معبر و ساختمان است. تداوم این روند، نتیجه‌ای جز حضور آشفته حیات در معماری مسکن ندارد. بنابراین با توجه به اثر حیات بخشی این فضا به محیط مسکونی، راه‌حلی جز بازخوانی مفاهیم حیات سنتی جهت دستیابی به الگوی اصیل سکونت، پیش روی نیست. از این رو در مقاله حاضر که با هدف بازشناسی مفاهیم جاری در فضای حیات انجام گرفته است؛ پس از تشریح معنا و جایگاه حیات در معماری ایرانی به توصیف کالبدی این فضا در خانه‌های سنتی پرداخته و در نهایت مهم‌ترین مفاهیم حیات مورد بحث قرار گرفته است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و قسمت عمده اطلاعات برگرفته از منابع کتابخانه‌ای (کتاب، مقالات و ...) می‌باشد.

۲- مفهوم لغوی حیات

حیات در فرهنگ دهخدا به معنی محوطه و هر جای دیواربست و سرای و خانه آمده است. واژه‌های دیگری مثل ساحت، صحن، میانسرا، صحن‌سرای نیز به همین معنی هستند. [۳] در دایرةالمعارف معماری و شهرسازی نیز تعریف حیات چنین آمده است: آن قسمت از عرصه که در اشتغال ساختمان نباشد و معمولاً محصور، گل کاری و درخت کاری می‌شود. [۴]

۳- تاریخچه حیات

به گفته علامه قطب‌الدین محمود ابن مسعود شیرازی در قرن هفتم «تاریخچه ایجاد و احداث فضاهای باز طراحی شده در ایران به حدود سه قرن قبل از میلاد یعنی دو هزار و سیصد سال پیش می‌رسد.» [۵] عملاً از دوره اشکانیان شاهد اولین اشکال حیات در سازماندهی فضاهای اصلی هستیم. در اولین اشکال حیات‌ها، حیات را با شکل هندسی غیرمنظم به عنوان عامل سازمان‌دهنده برای ترکیب فضاهای منظم در اطراف خود ملاحظه می‌کنیم؛ که ضمن آنکه نقش سازمان‌دهنده را عهده‌دار است، لیکن هنوز اهمیت اصلی خود را در ارتباط با کل فضاها به دست نیاورده و در موقعیتی حاشیه‌ای نسبت به دیگر فضاها





قرار دارد. این عنصر اساسی به مرور جای خود را در همه بناهای عمومی و خصوصی باز کرد و به مقدس‌ترین عمارت، مسجد تا خصوصی‌ترین بناها، خانه راه یافت. در معماری ایران نیز حیاط در طول قرن‌های متمادی ظهور و تکامل یافته و به عنوان عنصر اساسی و اصلی‌ترین فرم سازماندهی فضاهای دیگر؛ با فرم‌های ساده به کار گرفته شده و آنچنان اهمیتی پیدا نموده است که هندسه منظم حیاط از اهمیت بسیار بیشتری نسبت به فضاهای جانبی برخوردار می‌شود. [۶] در دوره اسلامی ایران حیاط به عنوان یک فضای مرکزی و سازمان‌دهنده با هندسه مشخص اهمیت و ارج بسیاری پیدا می‌کند و گاه تناسبات و هندسه فضایی حیاط بر اندام‌های اطراف برتری دارد. [۷]

۴- جایگاه حیاط در معماری ایرانی

معماری سنتی همواره در جستجوی نظمی است که آن را بر اساس بهره‌وری از مواهب طبیعی و هماهنگ با نظم حاکم بر طبیعت، در محدوده زیست فراهم آورد؛ بدون آنکه خلوت زندگی به هم بخورد. در پاسخ به این خواست، خصوصی‌ترین باغ درونی را می‌سازد و آن را با نام حیاط معرفی می‌کند. [۸] مکانی که از اطراف خود جدا شده و در حدود و ثغور خاصی محو گردیده؛ فضایی سرگشوده و باز به سمت آسمان که پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی ساکنین خود را بر عهده دارد. در این معماری وظیفه حیاط پر کردن شکاف میان دو دنیای خاکی و افلاکی به دو صورت طبیعی و نمادین است. خلوت حیاط که بیشتر به درون و رو به آسمان گشوده می‌شود تا بیرون، نماینده باطن و عروج قلب به سوی عالم بالا می‌باشد. [۹] همین امر موجب شده تا ساکنین در پی تداوم حضور در این فضا حس تعلق و دلبستگی را تجربه می‌کنند. «حسی که به پیوند فرد و مکان انجامیده و حیاط را برای انسان سنتی تبدیل به مکانی مقدس کرده است. [۱۰]» این ویژگی، حیاط ایرانی را در مرتبه‌ای فراتر از فضای باز قرار داده؛ تا آنجا که رفتار معماری با این عنصر ارزشمند، همتراز فضاهای بسته بوده و حیاط از نظر سازمان فضایی، یک اتاق بدون سقف است که فضاهای مختلف خانه با آرایشی تعریف شده در اطرافش مستقر گردیده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با آن در ارتباط‌اند.

۵- توصیف کالبدی حیاط ایرانی

حیاط در خانه ایرانی، اتاق بدون سقفی است معطوف به درون، با بدنه‌های کاملاً تعریف شده؛ بطوریکه جبهه‌های بنا که به واسطه حضور فضاهای بسته یا نیمه‌باز (ایوان‌هایی در چهارسوی حیاط) پدید آمده، آن را در بر گرفته‌اند. در جبهه‌هایی که بنا وجود ندارد نیز دیوار (با ارتفاعی که حس در برگرفتگی ایجاد نماید) بدنه حیاط را تعریف می‌کند. نوع آجرچینی و استفاده از طاق‌نما در این دیوارها جلوه‌ای معمارانه به آنها می‌دهد.

حیاط سنتی با هندسه‌ای منظم و کفی آراسته از درخت و خاک و آب، فضاهای اطراف خود را سازماندهی کرده؛ به گونه‌ای که ابعاد آن را تعداد و عملکرد این فضاها مشخص می‌کند. هر حیاط دارای یک حوض و چند باغچه است که شکل و چینش آنها وابسته به شرایط مختلف محلی و عوامل فرهنگی است. اما به طور معمول، نوع قرارگیری این دو عنصر نسبت به هم به گونه‌ای است که محور طولی هرکدام عمود بر دیگری باشد. به این صورت که در اطراف حوض و عمود بر آن، باغچه‌ها به صورت متقارن قرار می‌گیرند.





خود حوض‌ها نیز معمولاً عمود بر محور طولی خانه هستند. به گونه‌ای که اتاق آرسی یا پنج دری در راستای محور اصلی قرار داشته و حوض در جلوی این اتاق‌ها است. [۱۱] این حوض‌های پر آب با ابعاد و شکل موزون و متناسب با سطح حیاط و در مرکز ثقل آن شکل می‌گیرند. متداول‌ترین طرح آنها چهارگوش بوده و گاهی اشکال دایره، لوزی و در مواردی نیز فرم‌های ترکیبی مانند T نیز در طرحشان دیده می‌شود. اطراف هر حوض به نحوی طراحی شده است که امکان استفاده از آب برای شست‌وشو فراهم شود، همچنین آب سرریز شده به داخل باغچه‌های اطراف حوض هدایت می‌شود و قطره‌ای از آن هدر نمی‌رود. [۱۲] دورتادور حوض و حاشیه باغچه‌ها گل‌کاری شده و پرنده‌های همیشه نغمه‌خوان آرامش را به روح انسان هدیه می‌دهند.

۶- مفاهیم حیاط ایرانی

حیاط به عنوان اصیل‌ترین فضای سکونت در خانه ایرانی، تجلی‌گاه مفاهیمی است که ریشه در باورهای جامعه داشته و در پی اساسی‌ترین نیازهای معنوی ساکنین به وجود آمده‌اند:

۶-۱- حرمت

یکی از این باورها، ارزشمند شمردن حریم و زندگی شخصی است؛ به دنبال آن، «حیاط» زمانی متعلق به خانواده است که دارای حریم باشد و همین موضوع حرم است که بطن خالی حیاط را تبدیل به فضایی آرام و امن برای ساکنین می‌کند. [۱۳] وقتی در حیاط خانه ایرانی می‌ایستیم، عنصر غریبه‌ای در آسمان آن مشاهده نمی‌شود حتی بام‌های همسایه، برای حیاط حرمت قائل بوده‌اند و حریم آن چه در زمین و چه در آسمان رعایت شده است. [۱۴]

۶-۲- خلوت

در پی ایجاد حریم امن خصوصی در حیاط، فضایی آرام و ساکت پدید می‌آید تا فرد بتواند در آن خلوت کند. «محدوده‌ای ویژه از زمان و مکان که شخص، فارغ از قوانین و قالب‌های معین و مشخص رفتاری خاص اجتماع، می‌تواند در آن، به احساسات فردی خویش پاسخی درخور گوید و نیازهای روانی خود را به گونه‌ای مناسب و دلخواه برآورده سازد. [۱۵]» وجود حوض آب و گیاهان سرسبز نیز، این فضا را به محیطی رازآلود تبدیل کرده که انسان را به تعقل و ژرف اندیشی وامی‌دارد.

۶-۳- بهشت‌گونگی

حیاط ایرانی به عنوان جلوه‌گاه اعتقادات بشری، در جهت عینیت بخشیدن به آرمان‌های ساکنین، بهشت برین را جلوه زمینی می‌بخشد. یکی از تعابیر زیبای بهشتی، درختانی است که از زیر سایه آنها نهری روان است. معمار ایرانی به واسطه ترکیب عناصر طبیعت (آب و گیاه)، زبان نمادینی برای ارائه تصویری بهشت‌گونه خلق کرده که به حقایق و زیبایی‌های معنوی اشاره دارد.





۴-۶- وحدت

در پی تجلی این اعتقادات در غالب فضای حیاط، این عنصر کلیدی در مرکز خانه قرار گرفته تا نمادی از "وحدت وجود" باشد. «سیر تحول عناصر پراکنده (کثرت‌ها) به وحدت مرکزی که در اغلب فضاهای معماری دنیای اسلام به چشم می‌خورد. [۱۶]» سبب شده تا در خانه ایرانی خطوط نظم دهنده حیاط تا آخرین لایه ساختمان نفوذ کنند؛ فضای درون و محاط حیاط را نیز طی کرده و از این طریق تمامی عناصر حیاط- اعم از عناصر احاطه کننده کالبدی و عناصر احاطه شده طبیعی در هماهنگی و یکپارچگی به وحدت کلی در حیاط نائل شوند. [۲]

۵-۶- درونگرایی

به تعبیر عرفانی نیز، خانه‌های سنتی سمبلی از نگاه عرفانی ما به حساب می‌آیند. همان گونه که عارفی که از دنیا و محیط پیرامونش بریده و به درون دل خود نگاه می‌کند، خانه‌های سنتی هم با ویژگی درونگرایی خود، در حقیقت به اطراف خود پشت کرده‌اند و به درون خود توجه دارند. عارف در دل خود که آئینه ذات احدیت است نور خدا را می‌بیند. در این میان حیاط جانشین درونگرایی و آب جانشین دل عارف است که نور آسمان را منعکس می‌کند. [۱۷] به عبارتی درونگرایی درجه اهمیت به باطن را در مقابل توجه به ظاهر متجلی می‌سازد و در اصل تأکید بر عالم غیب و تفسیری بر یکی از صفات الهی است. [۵]

۶-۶- آزادی

این درونگرایی و محرمیت که به واسطه حیاط‌های اندرونی و بیرونی، همچنین ایجاد چرخش و رعایت الگوی سلسله‌مراتبی در مسیر ورود به حیاط به وجود آمده، حسی از امنیت را در این فضا جاری ساخته تا حیاط تبدیل به محیطی گردد که آزادی واقعی ساکنین در آن تأمین شده است. «بدین ترتیب کار کردن توأم با آزادی، بازی کردن توأم با آزادی، خلوت کردن در فضای باز توأم با آزادی و حشر و نشر و گفتگو در اتاقی دل‌باز که سقف ندارد و به آسودگی می‌توان در آن تنفس نمود، [۱۸]» همگی در پناه طبیعت حیاط ممکن می‌شود.

۷-۶- ارتباط با طبیعت

طبیعت در زندگی انسان بسیار تأثیرگذار بوده؛ سرچشمه احساسات او و رایحه‌ای برای فضا و زمان است. حیاط ایرانی امکان ارتباط با طبیعت را برای ساکنین خود فراهم می‌آورد. طبیعتی که خاستگاه انسان و محمل زندگی اوست؛ آنگونه که زمین، مادر آدمی و آب مایه حیاتش می‌باشد. این ارتباط به حدی است که، تا درون فضاهای بسته نیز ادامه یافته؛ به واسطه آرسی‌ها و بالا کشیدن درک‌ها این فضاهای بسته تبدیل به ایوان‌هایی می‌شوند که ارتباط دیداری و حسی ساکنین با طبیعت حیاط را میسر می‌سازند. «طبیعتی که شامل آسمان، آب، پرندگان (گنجشک‌ها، کلاغ‌ها، سارها) و گیاهان (نارنجستان، گل‌ها، درخت هفت صنوبر و ...) است [۱۹]» و به واسطه همزیستی با آن، پیوند معنوی بین انسان و زیبایی‌هایی نهفته در دل طبیعت برقرار شده تا روحیه‌ای مضاعف به او دهند.





۶-۸- زیبایی

ستایش جمال و زیبایی، در فطرت انسان نهفته است. حیاط به واسطه بکارگیری هندسه و تناسب و با استفاده از نور و رنگ این زیبایی را خلق می‌کند. به گونه‌ای که تناسب هندسی، توازن و تعادل را در ترکیب عناصر فضا برقرار کرده و هم‌آغوشی نور و رنگ (در شیشه‌های رنگی اُرسی بر روی جداره اطراف حیاط) این زیبایی را به کمال رسانده است؛ و آنجا که تلاقی این دو در حوض وسط حیاط انعکاس می‌یابد، زیبایی به اوج خود می‌رسد. «ساکنان خانه با انتخاب نوع درخت و محل کاشت آن و ارتباط با باغچه و حوض، زیبایی را با سلیقه و روحیه خود وارد اندرون می‌کنند. [۲۰]» روزنه‌هایی که بر روی جداره‌ها و پنجره‌های رو به حیاط ایجاد شده، رؤیت این گیاهان (رشد و نمو آنها) و زیبایی‌های دیگر را از درون فضاهای بسته نیز ممکن می‌سازد. اما باید دانست که زیبایی حیاط محدود به ظاهر نبوده؛ بلکه بخشی از ذات آن به شمار می‌آید.

۶-۹- مطبوعیت و سرزندگی

آنچه در حیاط ایرانی بیش از هر چیز نگاه مخاطب را به خود جلب می‌کند، سبزی‌نگی این حیاط است. گل‌های زیبا و گیاهان همیشه سبز، این فضا را به گونه‌ای آراسته‌اند که نشان از روح علاقه به سرسبزی و خرم‌دوستی ساکنین باشد. استفاده از حوض آب در شکل‌های مختلف آن نیز بر کیفیت فضایی حیاط می‌افزاید. حضور این عناصر طبیعت (آب، گیاه، باد)، محیطی مطبوع و تنفسگاهی مناسب برای استفاده ساکنین فراهم آورده که گردش هوا را در فضاهای مختلف میسر می‌کند. با وجود پرندگانی خوش نغمه که جذب این فضای سبز می‌شوند و ماهیانی که در حوض حرکت می‌کنند و نماد پویایی هستند، حیات در حیاط جاری شده؛ دیدن سبزه و گیاهان سرزنده و مسرور شده و سیالیت آب، احساس طراوت، آرامش و تازگی را در ساکنین القا می‌کند. بدین گونه فضایی خلق شده که سرزندگی در آن موج می‌زند.

۶-۱۰- چشم‌انداز

یکی از دل‌بستگی‌های ایرانیان در ساخت خانه‌ها ایجاد ارتباط دیداری بین اتاق و فضای بیرون آن است. گشادگی، فراخی و دید آزاد داشتن، جزو طبیعت ایرانی است. حتی در حال حاضر نیز همین طور است. [۲۱] «مهم‌ترین ویژگی فضایی خانه‌های سنتی ایجاد ارتباط بصری و حسی اتاق اصلی با حیاط خانه است. در این خانه‌ها که فضای باز بیرون را به داخل خود آورده‌اند، اغلب فضاهای سرپشته رو به حیاط همیشه سبز باز شده و نظرگاهی مناسب را به واسطه ارتباط با طبیعت می‌آفریند. رؤیت گیاهان سرسبز که با پوشاندن قسمت‌هایی از بدنه حیاط، تصویرهایی نو از ترکیب بنا با عناصر طبیعی می‌سازند، دیدهای متنوعی به دست می‌دهد. این همان تماشای طبیعت است که با استفاده از اُرسی‌ها (پنجره‌هایی که طبیعت حیاط را قاب می‌گیرند) میسر می‌شود. همچنین با بالا کشیدن درک‌ها، اتاق‌های اطراف به شکل ایوانی درمی‌آید که رو به سوی حیاط دارد و مفهوم چشم‌انداز را در ارتفاع‌های مختلف در فضا منعکس می‌کند.





۶-۱۱- یادگیری

همانگونه که پیش از این گفتیم در خانه تاریخی، خانه از طبیعت جدا نیست و حضور نمایندگانی از طبیعت در درون سازمان فضایی خانه معیاری الزامی است؛ ساکنان خانه می‌آموزند که هم در درون خانه و هم در بیرون خانه از طبیعت محافظت کنند. [۲۲] این قرابت از لحظه شروع آفرینش و خلقت انسان آغاز گشته است و بشر به مرور زمان از طریق نیروی درونی خویش بر طبیعت مادی مسلط گشته است. در این مسیر انسان از خداوند خویش آموخت خالق زیبایی‌ها باشد و آنچه را به صورت خواسته‌ها، آرزوها و امیال در درون خویش دارد را خلق نماید. [۲۳] اینگونه حیاط سنتی توانسته بستر مناسبی برای یادگیری انسان از آموزه‌های طبیعت و قوانین آفرینش ایجاد کند.

۶-۱۲- انعطاف پذیری

حیاط خانه‌های سنتی، تنوع فضایی گسترده و منعطفی را برای ساکنین عرضه می‌کند، که مشوق تجربه‌ها و فعالیت‌های گوناگون است. این فضا دربرگیرنده بیشترین ساعات زندگی است. تا جایی که در فصل تابستان، اهالی خانه وقت محدودی را در اتاق‌ها می‌گذرانند و بیشتر در فضای حیاط به کارهایی چون: شستن ظروف و لباس‌ها در کنار حوض آب (که با ابعاد بزرگ، معمولاً آب گر محسوب می‌شود)، صرف غذا و ... مشغول می‌شدند. گاهاً برای ساکنینی که دارای حرفه خاص بوده‌اند، حیاط به عنوان مکانی برای انجام فعالیت‌های مربوط به آن حرفه استفاده می‌شده است. همچنین «ارتباط حیاط اندرونی و بیرونی در این خانه‌ها به شیوه‌ای است که در صورت نیاز می‌توان این دو فضا را در هم ادغام نمود و توان فضایی خانه را برای مراسم مختلف افزایش داد. [۱۲]»

۷- جمع بندی

حیاط ایرانی، به مثابه کارآمدترین فضای معماری و دارای ساختاری متناسب با شیوه زندگی ایرانی، تجلی دهنده ارزش‌هایی است که از فرهنگ جامعه برخاسته‌اند. در این فضای رو به آسمان، مفاهیمی متبلور شده که در راستای تحقق معنای واقعی سکونت در حیاط بسیار مؤثر بوده‌اند. شناخت این مفاهیم می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری ایده‌های حیات‌بخش در طراحی مسکن معاصر باشد.

در فضای غنی حیاط در خانه‌های سنتی ایران:

- زندگی شخصی حریمی دارد که در پی ایجاد آن، امنیت نیز برقرار می‌گردد.
- به واسطه آرامش حاکم بر فضا و بکارگیری آب و گیاه، فضایی رمزآلود شکل گرفته که انسان را به تأمل وامی‌دارد.
- استفاده از نمادهای طبیعت (آب و گیاه) خلق تصویری بهشت‌گونه را امکانپذیر ساخته است.
- خطوط نظم دهنده حیاط سعی در ایجاد یکپارچگی دارند که وحدت را نمایش می‌دهد.





- فضاها به اطراف خود پشت کرده و رو به درون حیاط دارند.
- آزادی واقعی ساکنین به واسطه رعایت حرمت و درون‌نگری برقرار شده است.
- ارتباط انسان با طبیعتی که شامل آسمان، آب، پرند و گیاه است، محقق گردیده.
- با هم آغوشی نور و رنگ و هندسه و انعکاس آن در حوض، زیبایی به کمال رسیده است.
- سبزی‌نگی گیاهان، سیالیت آب، حضور پرندگان و حرکت ماهیان، سرزندگی را به ارمغان آورده است.
- تماشای طبیعت حیاط، از درون فضاهای بسته و نیمه باز، مفهوم چشم‌انداز را منعکس می‌کند.
- حضور طبیعتی که ساکنین به وجود آورده‌اند و از آن محافظت می‌کنند، موجب شکل‌گیری بستری برای یادگیری آموزه‌های آفرینش شده است.
- تنوع فضایی و امکان تجربه فعالیت‌های گوناگون، حیاط را تبدیل به فضایی انعطاف‌پذیر کرده است.

مراجع

- [۱] رحمانی، الهه؛ سمیه نورانی و زهرا شکر فروش؛ ۱۳۹۰؛ «بررسی سیر تحول الگوی پر و خالی در مسکن معاصر ایرانی»؛ مجله آبادی؛ شماره ۷۰.
- [۲] صنعتی، سیده؛ ۱۳۸۵؛ «تأملی بر مقام حقیقی حیاط در معماری»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد؛ یزد؛ دانشگاه هنر و معماری.
- [۳] معماریان، غلامحسین؛ ۱۳۷۵؛ «آشنایی با معماری مسکونی ایرانی، گونه شناسی درونگرا»؛ تهران: انتشارات سروش دانش.
- [۴] سید صدر، سید ابوالقاسم؛ ۱۳۸۱؛ «دایره المعارف معماری و شهرسازی»؛ تهران: نشر آزاده.
- [۵] نایی، فرشته؛ ۱۳۸۱؛ «حیات در حیاط»؛ تهران: انتشارات نزهت.
- [۶] عربی، محمد؛ سحر مداح و مرضیه هاشمی و زهرا ارمغانی؛ ۱۳۹۴؛ «نقش حیاط در معماری خانه های ایرانی»؛ همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران؛ یزد.
- [۷] نظیف، حسن؛ ۱۳۹۲؛ «پایداری اندام های معماری ایران در گذر از دوران اسلامی»؛ باغ نظر؛ شماره ۲۴؛ ص ۵۷ تا ۶۸.
- [۸] قزلباش، محمدرضا؛ فرهاد ابوضیاء؛ ۱۳۶۴؛ «الفبای کالبد خانه سنتی یزد»؛ وزارت برنامه و بودجه؛ معاونت فنی؛ تهران: دفتر تحقیقات و معیارهای فنی.
- [۹] ورمقانی، حسنا؛ ۱۳۹۲؛ «الگوهای نوین درونگرایی در دستیابی به مسکن پایدار»؛ اولین کنفرانس معماری و فضاهای شهری پایدار؛ مشهد: گروه پژوهش های کاربردی پرمان.
- [۱۰] فلاح، محمدصادق؛ ۱۳۸۵؛ «مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن»؛ مجله هنرهای زیبا؛ شماره ۲۶؛ ص ۵۷ تا ۶۶.
- [۱۱] کاتب، فاطمه؛ ۱۳۸۴؛ «معماری خانه های ایرانی»؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.





- [۱۲] مجیدی، سمیرا؛ غلامحسین معماریان؛ ۱۳۹۴؛ «فهم ابعاد عاطفی حیاط در خانه های سنتی شیراز»؛ نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران؛ ص ۹۱ تا ۱۰۱.
- [۱۳] بایبوردی، پریسا؛ سیمین یاقوتی و مهسا بایبوردی؛ ۱۳۹۲؛ «الگوشناسی معماری داخلی خانه های سنتی ایران»؛ سومین همایش ملی معماری داخلی و دکوراسیون؛ اصفهان؛ مؤسسه آموزش عالی آزاد دانش پژوهان.
- [۱۴] علیمراد افشاری، رضا؛ ۱۳۸۹؛ «حیاط، عنصر حیات خانه ایرانی (تحلیل و بررسی نقش فضای باز (حیاط) در خانه ایرانی و به صورت موردی در خانه پوستی زاده- همدان)»؛ همایش منطقه ای خانه ایرانی؛ گنبدکاووس؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد گنبدکاووس.
- [۱۵] علی آبادی، محمد؛ ۱۳۸۰؛ «تأثیر فرهنگ اسلامی بر معماری خانه و محله»؛ تهران: مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی.
- [۱۶] هوشمند شعبان آبادی، فرانک؛ ۱۳۹۴؛ «الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی و نظام فضایی معماری ایران»؛ اولین کنفرانس تخصصی معماری و شهرسازی ایران؛ شیراز: مؤسسه عالی علوم و فناوری حکیم عرفی شیراز.
- [۱۷] طوفان، سحر؛ ۱۳۸۵؛ «بازشناسی نقش آب در حیاط خانه های سنتی ایران»؛ نشریه باغ نظر؛ دوره سوم؛ شماره ۶؛ ص ۷۲ تا ۸۱.
- [۱۸] پوراسماعیل، آرش؛ ۱۳۸۹؛ «الگوهای معماری ایرانی- الگوی صفه»، جستارهایی در هنر و معماری، الگوی حیاط، نظریه استمرار و تداوم (برگرفته از معماری میرمیران).
- [۱۹] عبدالله زاده، سیده مهسا؛ محمود ارژمند؛ ۱۳۹۱؛ «در جستجوی ویژگی های خانه ایرانی (بر مبنای بررسی شیوه زندگی در خانه های سنتی شیراز)»؛ فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی؛ شماره ۱۰؛ ص ۱۰۹ تا ۱۲۲.
- [۲۰] معماریان، غلامحسین؛ ۱۳۸۷؛ «معماری ایرانی»؛ تهران: انتشارات سروش دانش.
- [۲۱] پیرنیا، محمدکریم؛ ۱۳۸۶؛ «سبک شناسی معماری ایرانی»؛ تهران: نشر سروش دانش.
- [۲۲] حائری مازندرانی، محمدرضا؛ علیرضا ملکوتی و شبنم السادات اسماعیلی؛ ۱۳۹۲؛ «روش شناخت چند دانشی معماری خانه های تاریخی ایران، نمونه موردی بررسی ۸۷ خانه تاریخی در شش شهر کشور»؛ نشریه علمی- پژوهشی نامه معماری و شهرسازی؛ دوره ششم؛ شماره ۱۲؛ ص ۱۱۷ تا ۱۳۳.
- [۲۳] محمدی، مریم؛ ۱۳۹۵؛ «بررسی نقش کارکردی حیاط در معماری»؛ دومین کنگره بین المللی علوم زمین و توسعه شهری؛ تبریز: شرکت کیان طرح دانش، پژوهشکده جهاد دانشگاهی واحد استان آذربایجان شرقی.

